

یادداشت

از تسهیل صدور مجوز تا تضعیف اعتماد عمومی

حامد خانجانی

اعتماد به نظر کارشناس رسمی دادگستری، سرمایه‌ای نیست که با صدور یک پروانه حرفه‌ای به هر شکل ایجاد شود. این اعتماد، حاصل جمع ویژگی‌های دانش، دقت و وثاقت اخلاقی است. جامعه هنگامی نظر یک کارشناس را می‌پذیرد که اطمینان داشته باشد او هم از دانش تخصصی کافی برخوردار است، هم در بررسی موضوع نهایت دقت را به خرج می‌دهد و هم در برابر وسوسه‌های مالی، فشارهای بیرونی و تعارض منافع، استقلال رای خود را حفظ می‌کند. هرگاه یکی از این سه رکن تضعیف شود، آنچه آسیب می‌بیند فقط یک نهاد حرفه‌ای نیست، بلکه یکی از مهم‌ترین ارکان تحقق عدالت در نظام قضائی است. در سال‌های اخیر، قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار با هدف افزایش فرصت‌های شغلی و رفع انحصار، دامنه پذیرش در برخی حرفه‌ها ازجمله کارشناسی رسمی دادگستری را به‌طور چشمگیری گسترش داده است. بی‌تردید مبارزه با انحصار و ایجاد فرصت‌های برابر، سیاستی ارزشمند است؛ اما پرسش اساسی اینجاست که آیا همه حرفه‌ها را می‌توان با یک منطق اقتصادی واحد اداره کرد؟ آیا کارشناسی رسمی که نتیجه کار آن به‌طور مستقیم بر اموال، اعتبار و حقوق اشخاص اثر می‌گذارد، یک «کسب‌وکار» است یا بخشی از زیرساخت عدالت؟ خطای اصلی شاید همین باشد که قانون‌گذار میان بازار و دادگاه تفاوتی قائل نشده است. در بسیاری از مشاغل، اگر کیفیت خدمات کاهش یابد، مصرف‌کننده می‌تواند ارائه‌دهنده دیگری را انتخاب کند و بازار به تدریج کیفیت را اصلاح می‌کند؛ اما در کارشناسی رسمی، نظر کارشناس مبنای صدور رای دادگاه قرار می‌گیرد و آثار آن بر زندگی افراد زیاد و به حداقل هرنه خطا را نه بازار، بلکه مردم و نظام عدالت می‌پردازند. نخستین پیامد قانون تسهیل، کاهش استاندارد علمی ورود به حرفه است. در نظام پیشین، هرچند شیوه برگزاری آزمون‌ها خالی از ایراد نبود، اما پذیرفته‌شدن معمولاً مستلزم کسب در صد بالایی از پاسخ‌های صحیح بود؛ معیاری که دست‌کم نشان می‌داد داوطلب بر بخش درخور توجهی از مبانی علمی رشته خود تسلط دارد. امروز در برخی رشته‌ها، داوطلبانی با حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد پاسخ صحیح نیز امکان ورود به این حرفه را پیدا می‌کنند. مسئله صرفاً کاهش یک عدد نیست، بلکه پایین‌آمدن کف صلاحیت علمی در حرفه‌ای است که کوچک‌ترین اشتباه در آن می‌تواند مسیر یک پرونده قضائی را تغییر دهد. افت کیفیت فقط به دانش محدود نمی‌شود. آزمون‌های تخصصی، علاوه بر معلومات، قدرت تحلیل، تمرکز و دقت ذهنی را نیز می‌سنجند. کارشناس رسمی صرفاً ناقل اطلاعات نیست؛ او باید میان اسناد متعارض، قرائن فنی و واقعیات پرونده رابطه برقرار کند. احتمال خطا را به حداقل برساند و نظری مستدل، شفاف و قابل دفاع ارائه دهد. کاهش محسوس استانداردهای پذیرش، به‌طور طبیعی احتمال افزایش خطاهای کارشناسی، اطاله دادرسی، اعتراض‌های مکرر و تحمیل هزینه‌های مضاعف بر اصحاب دعوا و دستگاه قضائی را نیز افزایش می‌دهد.

یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید

پایان امنیت‌وارداتی

نزدیکی تهران و ریاض فقط یک توافق سیاسی نبود، بلکه نشانه‌ای بود که می‌گفت امنیت پایدار زمانی شکل می‌گیرد که بازیگران اصلی خود ساوکار امنیتی را طراحی کنند. این مدل بر پیش‌بینی‌پذیری و کاهش هزینه‌های ناشی از رقابت‌های مخرب استوار است. البته مسیر همکاری نیازمند مدیریت دقیق بی‌اعتمادی‌های تاریخی و نگرانی‌های امنیتی است. کشور‌های عربی می‌توانند این نکته را در محاسبات خود وارد کنند که امنیت واقعی، امنیتی است که با ایران ساخته شود. ایران به عنوان قدرت بزرگ منطقه، توان بازدارندگی و ظرفیت ایجاد ترتیبات مشترک امنیتی را داراست. این ظرفیت اگر در مسیر درست قرار گیرد، می‌تواند جایگزین مدل امنیتی وارداتی شود؛ مدلی که کشورهای عربی را در یک چرخه وابستگی بی‌پایان گرفتار و هزینه‌های سنگین اقتصادی و سیاسی‌ای بر آنها تحمیل کرده است. بخش شایان توجهی از هزینه‌های تسلیحاتی کشورهای عربی که سالانه به بیش از صدها میلیارد دلار می‌رسد، می‌تواند در قالب همکاری‌های منطقه‌ای، به تقویت توانمندی‌های درونی اختصاص یابد. سازوکار مشترک میان ایران و کشورهای عربی، افزون بر کاهش هزینه‌ها، زمینه‌ساز اعتمادسازی تدریجی و شکل‌گیری نظم منطقه‌ای مبتنی بر منافع جمعی خواهد شد. در امتداد همین معادلات، نقش آمریکا باید با شفافیت بیشتری دیده شود. حضور واشینگتن در منطقه، برخلاف روایت رسمی، نه برای حفاظت از کشورهای عربی، بلکه برای کنترل مسیرهای انرژی و تضمین جریان پایدار نفت و گاز به سمت غرب است. این حضور، ماهیتی اقتصادی و ژئوپلیتیک دارد، نه امنیتی. هرگاه منافع انرژی در خطر بوده، واشینگتن مسیرها را تثبیت کرده است، اما زمانی که امنیت متحدانش تهدید شده، ساختار راهبردی آمریکا اجازه ورود به یک درگیری پرهزینه را نداده است. تجربه‌های مکرر این الگو نشان می‌دهد در معادلات واشینگتن، امنیت متحدان منطقه‌ای هیچ‌گاه بر منافع کلان جهانی اولویت پیدا نمی‌کند. در همین چارچوب، حضور اسرائیل در خلیج فارس، متغیری است که باید با دقت بیشتری دیده شود. همکاری‌های امنیتی اسرائیل با برخی کشورهای عربی، اگرچه در کوتاهمدت ممکن است برخی نگرانی‌ها را کاهش دهد، اما در بلندمدت، منطقه را در معرض ریسک‌های جدیدی قرار می‌دهد؛ ازجمله افزایش تنش با ایران و تبدیل خلیج فارس به صحنه رقابت‌های اسرائیل و ایران. تجربه تاریخی نشان داده است هرگاه منطقه به میدان رقابت قدرت‌های خارجی تبدیل شده، هزینه‌های آن را کشورهای منطقه پرداخته‌اند. حضور اسرائیل به‌جای کاهش ناامنی، پیچیدگی‌های جدیدی به معادلات افزوده و کشورهای عربی را در معرض وابستگی دومی قرار داده که نه‌تنها پایدار نیست، بلکه می‌تواند پهنانه‌ای برای تشدید تنش‌های منطقه‌ای شود. خلیج فارس نیازمند یک بازآرایی امنیتی است؛ بازآرایی که امنیت را از سطح وابستگی بیرونی به سطح همکاری درونی منتقل کند.

دولت-جامعه؛ دوخط موازی بامقاطع؟

وقایع به‌ظاهر کوچکی که همان افراد و گروه‌های خاص معتقدند نقش تارنچک‌های دودزا و بمب‌های صوتی را دارند و وقت ارزشمند رئیس‌جمهور را تلف می‌کنند؛ «دراوج مسائل حساس و تعیین‌کننده‌ای که نظام و مردم با آن روبه‌رو هستند، تعطیلی برنامه فلان مجری ورزشی تا چه اندازه اهمیت دارد که بخشی از وقت رگن‌های رئیس‌جمهور محترم را به خود اختصاص بدهد؟» (مراقب باشید خنجر شمر کم نشود- کیهان- ۱۴۰۵/۵/۴). امروز در این سخت‌ترین و تاریخی‌ترین روزها، برای تدوام این تمدن و سرزمین باید مردم را فارغ از فرهنگ، زبان، مذهب، مرام، قوم، قبیله ... فرخواند و آنان را به چارچوبی نهاده‌ین‌شده در تصمیم‌سازی‌ها مشارکت داد. اگر منظره‌ها و گفت‌وگوهای تاریخی و تئوریک جز ایجاد هیجانات کاذب حاصلی در بر داشته باشد، همان است که دولت و جامعه را به وظایف خود آگاه و در راه پاریک آزادی همراه کند؛ «نیل به آزادی راه باریکی است که طی آن حکومت و جامعه یکدیگر را متوازن می‌کنند. این توازن محصول مبارزه دائمی است که طی آن فرادستان (قدرتمندان) زنجیر مهار جامعه بر خود را می‌پذیرند (مجبور می‌شوند) و جامعه نیز می‌پذیرد یا قدرت همکاری کند. جامعه برای مهار قدرتمندان بسیج می‌شود و قدرت نیز ظرفیت‌های خود را برای حل‌وفصل مناقشات، حاکمیت قانون و ارائه خدمات عمومی افزایش می‌دهد» (راه پاریک آزادی).

ادامه از صفحه اول

جنگ پرهزینه در خاور میانه؛ محور مذاکرات ترامپ و نتانیاهو

نمایش سیاسی در کاخ سفید

شرق: نخست‌وزیر اسرائیل امروز در کاخ سفید با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا دیدار می‌کند. این تقابل دیپلماتیک در حالی رقم می‌خورد که هر دو رهبر در آستانه کارزارهای انتخاباتی، بر سر بحران در خاورمیانه و جنگ ایران اختلافات عمیقی دارند. برای بنیامین نتانیاهو، این دیدارها همواره فرصتی بی‌نظیر برای به نمایش گذاشتن روابط نزدیک با عالی‌ترین مقام اجرایی آمریکا بوده است؛ حتی اگر در مقاطعی با یکدیگر اختلاف‌نظر جدی داشته باشند. این بار اما خطرات و پیامدهای این دیدار به شکل ویژه‌ای بالااست. این تقابل دیپلماتیک در شرایطی رقم می‌خورد که هر دو رهبر در ماه‌های پیش‌رو با چالش‌های سنگین انتخاباتی مواجه هستند. دونالد ترامپ و حزب جمهوری‌خواه برای رقابت در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا در ماه نوامبر آماده می‌شوند. این کارزار سیاسی در حالی آغاز می‌شود که یک جنگ نامحبوب با ایران که از اواخر ماه فوریه شعله‌ور شده، بر فضای سیاسی واشینگتن سایه انداخته است. در سوی دیگر میدان، بنیامین نتانیاهو در نظرسنجی‌های پیش از انتخابات پاییز در اسرائیل جایگاه متزلزلی دارد و به‌شدت تحت فشار است. تحلیلگران معتقدند او نیاز حیاتی دارد به افکار عمومی داخل اسرائیل نشان دهد با وجود تمام اختلافات، همچنان روابط کاری مستحکم و نزدیکی با دونالد ترامپ دارد. بسیاری در محافل سیاسی واشینگتن بر این باور هستند که اسرائیل، دولت آمریکا را به این جنگ پرهزینه در خاورمیانه کشانده است. این تصور عمومی، تنش‌های بی‌سابقه‌ای میان دو متحد دیرینه ایجاد کرده است. دنی سیتزینوویچ، فرمانده پیشین اطلاعات نظامی اسرائیل و متخصص امور ایران در مؤسسه مطالعات امنیت ملی در تل‌آویو، در گفت‌وگو با نیویورک‌تایمز با اشاره به این شکاف عمیق، تأکید می‌کند دونالد ترامپ به‌وضوح به دنبال دستیابی به یک توافق است. او تأکید می‌کند در نقطه مقابل، اسرائیل به‌هیچ‌وجه نمی‌خواهد چیزی درباره این توافق بشنوند و به همین دلیل هیچ همسویی و تطابقی در منافع استراتژیک دو طرف دیده نمی‌شود. رهبران اسرائیل همچنان بازگشت به میدان جنگ را گزینه بهتری می‌دانند. از دیدگاه تل‌آویو، هرگونه توافق صلح با وساطت آمریکا، فقط به تقویت تهران منجر خواهد شد. تفاوت در اولویت‌ها، گره این بحران را کورتر کرده است. در حالی که تمرکز اصلی اسرائیل بر مهار تهدیدهای موجودیتی قرار دارد، تمرکز دونالد ترامپ ظاهراً معطوف به آزادسازی تردد در تنگه هرمز است. این تنگه یک مسیر حیاتی برای کشتیرانی جهانی و تجارت نفت محسوب می‌شود و ثبات آن برای اقتصاد آمریکا اهمیت استراتژیک دارد. به همین دلیل، ایالات متحده در مرحله اخیر درگیری‌ها با ایران رویکردی یک‌جانبه پیش گرفته است. واشینگتن در این مسیر، حتی شریک خود در جنگ یعنی اسرائیل را تا حد زیادی از روند مذاکرات صلح کنار گذاشته است. تحلیلگران سیاسی هشدار می‌دهند اگر دونالد ترامپ تصمیم بگیرد دامنه حملات نظامی خود به ایران را گسترش دهد، همچنان احتمال دارد بخواهد اسرائیل را در حاشیه این تحولات نگه دارد.

روابط پرنوسان

بنیامین نتانیاهو که زمان سفر خود به ایالات متحده را به‌گونه‌ای تنظیم کرده است تا بتواند در مراسم یادبود لیندسی گراهام، سناتور سرشناس آمریکایی نیز شرکت کند، همواره در کارزارهای انتخاباتی خود روی روابط گرم و نزدیک با دونالد ترامپ مانور تبلیغاتی داده است. با این حال، این

آتش زیر خاکستر در یمن؛

چرا شعله‌های جنگ دوباره زبانه کشید؟

بیش از چهار سال از زمانی که آتش‌بسی شکننده در یمن برقرار شده گذشته و آرامشی نسبی میان ائتلاف نظامی به رهبری عربستان و حوثی‌ها دیده می‌شد. اما این وضعیت بلاتکلیفی قرار نبود دوام بیاورد. گفت‌وگوها برای رسیدن به یک صلح پایدار عملاً قفل شده و صبر حوثی‌ها هم رو به پایان بود. از آن طرف، مقامات سعودی که درگیر بحران‌های دیگر بودند، به‌هیچ‌وجه دشان نمی‌خواست دوباره با به میدان نبرد بگذراند. نیویورک‌تایمز در گزارشی خواست دوباره با به میدان نبرد بگذراند. متحده با ایران، درست مثل جرقه‌ای بود که به این انبار باروت برخورد کرد. طی چند هفته گذشته، حوثی‌ها و عربستان سعودی به‌سرعت وارد چنان تنشی شدند که می‌تواند جرقه یک جنگ تمام‌عیار را بزند. پژوهشگرانی که روی گروه حوثی مطالعه می‌کنند، معتقدند آنها نه‌تنها برای حمایت از متحد اصلی خود یعنی ایران وارد عمل شده‌اند، بلکه می‌خواهند عربستان را مجبور به دادن امتیازات سیاسی در یمن کنند. طی هفته گذشته، حوثی‌ها با شلیک موشک و پهپاد به سمت خاک عربستان و کشتی‌ها در دریای سرخ، بازارهای جهانی انرژی را به هم ریختند. در پاسخ، ائتلاف نظامی به رهبری سعودی، پس از سال‌ها دوباره مواضع حوثی‌ها را بمباران کرد.

حوثی‌ها که روزگاری یک گروه شبه‌نظامی در کوهستان‌های شمال یمن بودند، پس از جنگ داخلی در این کشور، صنعا را تصرف کردند و مقامات پیشین به ریاض گریختند.

این اتفاق زنگ خطر را برای عربستان در مرزهای جنوبی‌اش به صدا درآورد. ائتلاف سعودی با راه‌اندختن کمپین بمباران به حمایت از نیروهای ضد حوثی برخاست، اما جنگ سال‌ها طول کشید.

تا زمان اعلام آتش‌بس در سال ۲۰۲۲، حوثی‌ها یک دولت خودخوانده در شمال یمن تشکیل داده بودند. جنوب کشور نیز اسماً در دست دولتی است که از نظر مالی و نظامی کاملاً به عربستان وابسته است. در ابتدا به نظر می‌رسید خستگی ناشی از جنگ و اراده سیاسی طرفین می‌تواند به صلحی پایدار ختم شود. در اواخر سال ۲۰۲۳، با میانجیگری سازمان ملل، عربستان و حوثی‌ها به امضای یک پیش‌نویس صلح (معروف به نقشه راه) بسیار نزدیک شده بودند.

بخش کلیدی این توافق، پرداخت حقوق کارکنان دولت در مناطق تحت کنترل حوثی‌ها بود که سال‌ها قطع شده بود؛ رقمی بین یک تا دو میلیارد دلار در سال که قرار بود از درآمدهای نفتی یمن تأمین شود. اما پیش از نهایی‌شدن توافق، حمله حماس به اسرائیل در اکتبر ۲۰۲۳ و متعاقب آن بمباران سنگین غزه، همه‌چیز را به هم ریخت. در سالی کار آمدن دونالد ترامپ در سال ۲۰۲۵، واشینگتن حوثی‌ها را در لیست سازمان‌های تروریستی قرار داد و حملات هوایی علیه آنها را آغاز کرد؛ اقدامی که وضعیت اقتصادی مناطق تحت کنترل حوثی‌ها را وخیم‌تر کرد و نارضایتی‌های داخلی را افزایش داد.

محمد البخیتی، از مقامات ارشد سیاسی حوثی، عربستان را مقصر این وضعیت می‌داند و می‌گوید پادشاهی سعودی به تعهدات خود در نقشه راه، به‌ویژه پرداخت حقوق‌ها عمل نکرده و با محدودکردن پروازها و کشتیرانی، یمن را محاصره کرده است.

وقتی در فوریه درگیری میان آمریکا و ایران بالا گرفت، حوثی‌ها ابتدا کنار نشستند، اما با به‌هم‌خوردن توافقات، تغییر موضع دادند. در پی تنش بر سر فرود یک هواپیمای ایرانی در صنعا، حوثی‌ها محاصره دریایی عربستان را اعلام کردند. موقعیت استراتژیک یمن در دریای سرخ به آنها این قدرت را می‌دهد بازار انرژی را مختل کند.

جنگ پرهزینه در خاور میانه؛ محور مذاکرات ترامپ و نتانیاهو

رابطه در چند ماه گذشته نوسانات شدیدی را تجربه کرده و در هفته‌های اخیر حداقل در سطح رسانه‌ها به پایین‌ترین سطح خود رسیده است. دونالد ترامپ در یک چرخش آشکار، از تمجید بنیامین نتانیاهو به عنوان یک رهبر بزرگ در زمان جنگ، به انتقاد از او روی آورده است. رئیس‌جمهور آمریکا با لحنی کنایه‌آمیز گفته است بنیامین نتانیاهو هر کاری که من بخوام انجام خواهد داد. دونالد ترامپ همچنین تأیید کرده در جریان یک تماس تلفنی، نخست‌وزیر اسرائیل را دیوانه خوانده و او را فردی بسیار دشوار در مذاکرات توصیف کرده است. در برابر این حملات کلامی تند، بنیامین نتانیاهو ترجیح داده است سکوت دیپلماتیک پیشه کند. با این حال، توافق اولیه دونالد ترامپ در ماه گذشته برای پایان دادن به جنگ با ایران، به دلیل نادیده‌گرفتن آشکار نیازهای امنیتی تل‌آویو، موجب ایجاد بهت و حیرت گسترده در داخل اسرائیل شد. در واکنش به این اقدام یک‌جانبه، وفاداران به بنیامین نتانیاهو کمپینی از تخریب و بدگویی علیه رئیس‌جمهور آمریکا و دستیاران ارشد او به راه انداختند. علاوه بر بحران ایران، امضای توافق‌نامه هفته گذشته میان دونالد ترامپ و عربستان سعودی برای توسعه یک برنامه هسته‌ای غیرنظامی نیز بر نگرانی‌های تل‌آویو به‌شدت افزوده است. استراتژیست‌های اسرائیلی به‌شدت بیم آن را دارند این توافق، جرقه یک رقابت تسلیحاتی ویرانگر در خاورمیانه را روشن کند. اگرچه دونالد ترامپ در بیانیه‌ها بعدی خود اعلام کرد اجرایی‌شدن این توافق هسته‌ای مشروط به برقراری روابط دیپلماتیک رسمی میان عربستان سعودی و اسرائیل خواهد بود، اما این اظهارات نتوانسته است اسرائیل را چندان متقاعد کند.

میدان‌های مین در خاورمیانه

با وجود تمام این تنش‌های رسانه‌ای و فشارهای سیاسی، آنچه در پشت درهای بسته میان این دو رهبر می‌گذرد، همواره غیرقابل کشف و گاهی غافلگیرکننده بوده است. تحلیلگران ارشد تأکید می‌کنند بنیامین نتانیاهو در گذشته بارها نتوانسته است بر تصمیمات استراتژیک دونالد ترامپ تأثیر مستقیم بگذارد. به همین دلیل، اکنون تشخیص اینکه آیا این دو واقعا براساس آنچه در رسانه‌ها نشان داده می‌شود، در تضاد و تنش عمیق هستند یا در حال اجرای یک مانور سیاسی، غیرممکن به نظر می‌رسد. اینتامار رابینوویچ، سفیر پیشین اسرائیل در ایالات متحده و استاد بازنشسته تاریخ خاورمیانه در دانشگاه تل‌آویو، تحلیل درخور تأملی از این پیچیدگی ارائه می‌دهد. او تأکید می‌کند در صورت ازسرگیری جنگ آمریکا علیه ایران، دونالد ترامپ به‌وضوح علاقه‌ای ندارد نشان دهد این اقدام را با همکاری و مشورت بنیامین نتانیاهو انجام می‌دهد. دلیل این امر روشن است؛ چنین تصویری تکرار همان سناریوی چند ماه پیش به نظر خواهد رسید که هزینه‌های سیاسی سنگینی برای واشینگتن داشت. با وجود این، اینتامار رابینوویچ تأکید می‌کند اگر ایران موشک‌هایی را به سوی اسرائیل شلیک کند، اسرائیل بدون شک به آن پاسخ نظامی خواهد داد و در نهایت ممکن است بار دیگر به‌طور مستقیم وارد جنگ شود. اختلافات این دو متحد استراتژیک فقط به مهار ماشین جنگی ایران محدود نمی‌شود؛ دولت آمریکا اقدامات نظامی اسرائیل علیه حزب‌الله در لبنان را محدود کرده است. واشینگتن همچنین تل‌آویو را تحت فشار قرار داده است تا روند خروج نیروهای خود از جنوب لبنان و سوریه را آغاز کند. در همین حال، آتش‌بس کشنده میانجیگری آمریکا در غزه به بن‌بست کامل رسیده و تنش‌ها و خشونت‌ها در کرانه باختری با سرعت، رو به افزایش است. تمام این چالش‌های امنیتی برای بنیامین نتانیاهو در آستانه انتخابات حساس اواخر اکتبر، اهمیتی حیاتی و تعیین‌کننده دارند.

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب **سونیا اسماعیلی** فرزند یوسف

باشماره شناسنامه ۸۹۴۶۸۹۴۶۷۲۰۹۳۶۱۶۴۶۷ صادره از ساری در مقطع کارشناسی رشته مهندسی کشاورزی اتروپج و آموزش کشاورزی صادره از واحد دانشگاهی ساری با شماره سربال ۱۱۲۱۷۵۳ مفقود گردیده و فاقد اعتباری می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری به نشانی: ساری ۷ کیلومتر ۷ جاده دریا مجتمع دانشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری ساختمان اداری طبقه دوم اداره دانش آموختگان و با صندوق پستی ۱۹۴-۸۱۶۴۰۸۱۶۴ ارسال نمایند.

گزارش

زلنسکی به کاخ سفید می رود

رئیس‌جمهور آمریکا امروز در کاخ سفید میزبان ولودیمیر زلنسکی، همتای اوکراینی خود خواهد بود. این دیدار به زلنسکی فرصتی می‌دهد تا پس از مرگ لیدنسی گراهام، حمایت واشینگتن را جلب کند. سفر زلنسکی به آمریکا همچنین در حالی صورت می‌گیرد که روسیه حملات موشکی علیه اوکراین را تشدید کرده است. ترامپ و رئیس‌جمهوری اوکراین آخرین بار اوایل ماه جاری میلادی در حاشیه نشست سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در ترکیه دیدار داشتند و در مورد تقویت دفاع هوایی اوکراین و تلاش‌های دیپلماتیک برای پایان جنگ گفت‌وگو کردند. شبکه ای‌بی‌سی‌نیوز نیز به نقل از یک مقام اوکراینی خبر داد زلنسکی برای مراسم تشییع جنازه سناتور گراهام در واشینگتن حضور پیدا می‌کند. گراهام، یکی از حامیان سرسخت اوکراین در جنگ مقابل روسیه بود که اندکی پس از دیدار با زلنسکی در کی‌یف درگذشت. گراهام از تشدید تحریم‌ها علیه روسیه حمایت می‌کرد. اکسیوس با اشاره به سفر هفته گذشته لورا لومر، فعال سیاسی راست‌گرا و متحد نزدیک ترامپ به اوکراین، گزارش داد لومر از اعضای جنبش ماگاکا، به گفته خودش پس از سال‌ها کوچک جلوه‌دادن تهاجم روسیه و مخالفت با حمایت ایالات متحده از اوکراین، به زلنسکی در کی‌یف دیدار و مصاحبه کرد. لومر در این سفر اعتراف کرد «فرب تبلیغات روسیه را خورده است» و ترامپ هم مصاحبه او با زلنسکی را در پلتفرم «تروث‌سوشال» به اشتراک گذاشت و نوشت: «خیلی خوب».

نخستین سفر ولودیمیر زلنسکی به آمریکا پس از آنکه دونالد ترامپ برای بار دوم در انتخابات ریاست‌جمهوری پیروز شد، به دلیل اختلافات شدید بر سر نحوه دستیابی به صلح با روسیه به درگیری لفظی کشیده شد و رئیس‌جمهوری اوکراین پیش از موعد کاخ سفید را ترک کرد. ترامپ هم در مقابل، زلنسکی را به «بی‌احترامی به ایالات متحده» متهم کرد و گفت او برای صلح آمادگی ندارد.

آگهی فقدان مدرک تحصیلی

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب **امیر علی رئیسی** فرزند میرمحمد حسین به شماره شناسنامه ۷۵۷ صادره از تهران، مقطع دکترای حرفه‌ای، رشته دامپزشکی، صادره از واحد دانشگاهی کرج با شماره ۱۳۸۴۱۱۵۰۱۲۲۷ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج به نشانی کرج - انتهای رایجایی شهر- تقاطع بلوار موذن و استقلال - صندوق پستی ۳۱۳-۳۱۴۸۵ ارسال نماید.

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی شهرستان پلدختر

سری (۱۰۴) جمعی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی ،املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی شهرستان پلدختر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می‌گردد. در صورتی که هرکس نسبت به صدور سند مالکیت بنام متقاضیان اعتراض داشته باشد می تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتبا به اداره ثبت اسناد واملاک محل تسلیم وپس از رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خودرا به مراجع محترم قضایی تقدیم وگواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید، در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست .

تاریخ انتشار نوبت اول : (۱۴۰۵/۰۵/۰۶) نوبت دوم: (۱۴۰۵/۰۵/۲۴)

- تقاضای « طلا بابائی نژاد » فرزند « کوچک خان » نسبت به « ششدانگ عرصه و اعیان یکباب عمارت مسکونی » بمساحت « ۱۷۵،۳۲» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره « ۱» فرعی از « ۱۱۶» اصلی واقع در بخش « ۷» خروجی از مالکیت مالک اولیه « آقای کلبعلی روزجک (سهام الارث یوسف حاجی پور) مع الواسطه »
- تقاضای « تورج نظری» فرزند « بنجشنبه » نسبت به « ششدانگ یک قطعه زمین مسکونی با بنای احدائی » بمساحت « ۴۲» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره « ۱» فرعی از « ۱۱۶» اصلی واقع در بخش « ۷» خروجی از مالکیت مالک اولیه « شاه احمد حاجی پور مع الواسطه »
- تقاضای « محمد رضا حاجی پور اصل» فرزند « شاحمدی » نسبت به « ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی الحاقی به پلاک ۱۹۹۸ فرعی از ۱ فرعی از ۱۱۶ اصلی » بمساحت « ۸۰،۸۲» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره « ۱» فرعی از « ۱۱۶» اصلی واقع در بخش « ۷» خروجی از مالکیت مالک اولیه « آقای شاحمدی حاجی پور (سهام الارث محمد رضا حاجی پور و رضا حاجی پور)»
- تقاضای « منصور میر» فرزند « ایل خانی » نسبت به « ششدانگ یک قطعه باغ » بمساحت « ۶۷۹،۹۶» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره « -» فرعی از « ۳۹» اصلی واقع در بخش « ۸» خروجی از مالکیت مالک اولیه « شخص متقاضی »
- قاضای « منصور میر» فرزند « ایل خانی » نسبت به « ششدانگ یک قطعه باغ مشجر » بمساحت « ۲۵۷۹،۹۷» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره « -» فرعی از « ۳۹» اصلی واقع در بخش « ۸» خروجی از مالکیت مالک اولیه « شخص متقاضی »
- تقاضای « کبر میر دریکوند» فرزند « ایرج » نسبت به « ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی » بمساحت « ۱۹۴۱،۹۵» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره « -» فرعی از « ۳۹» اصلی واقع در بخش « ۸» خروجی از مالکیت مالک اولیه « شخص متقاضی »
- تقاضای « بهروز خاوری» فرزند « عبدل » نسبت به « ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت « ۱۱۷۹۷» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره « ۵۲» فرعی از « ۱۶» اصلی واقع در بخش « ۸» خروجی از مالکیت مالک اولیه « خداداد اله پور (سهام الارث علی جان اله پور) مع الواسطه »
- تقاضای « سید نظرعلی شاهرخی مقدم » فرزند « سید یوسف » نسبت به « دو دانگ مشاع ازششدانگ یک قطعه زمین مزروعی » بمساحت « ۴۶۷۰۲،۳۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره « ۳» فرعی از « ۸» اصلی واقع در بخش « ۸» خروجی از مالکیت مالک اولیه « آقای نعمت اله سلاحووزی مع الواسطه »
- تقاضای « سیدعظیم شاهرخی نیا » فرزند « سید یوسف » نسبت به « دو دانگ مشاع ازششدانگ یک قطعه زمین مزروعی » بمساحت « ۴۶۷۰۲،۳۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره « ۳» فرعی از « ۸» اصلی واقع در بخش « ۸» خروجی از مالکیت مالک اولیه « آقای نعمت اله سلاحووزی »
- تقاضای « سید کریم شاهرخی نیا » فرزند « سید یوسف » نسبت به « دو دانگ مشاع ازششدانگ یک قطعه زمین مزروعی » بمساحت « ۴۶۷۰۲،۳۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره « ۳» فرعی از « ۸» اصلی واقع در بخش « ۸» خروجی از مالکیت مالک اولیه « آقای نعمت اله سلاحووزی »

نشانه: ۲۳۳۵۱۲۸

سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان پلدختر

سلمان آروان ۳۰۰۳